

بررسی مقایسه‌ای ارتباط اندازه دولت و باز بودن تجاری در میان کشورهای عضو D8 و OECD

نظر دهمرده^۱

مریم جفره^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۹

چکیده

با گسترش حضور و دخالت دولت در اقتصاد، بررسی ارتباط حجم و اندازه دولت و ارتباط این شاخص‌ها با متغیرهای کلان اقتصادی، همواره مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان، سیاستگذاران و محققان قرار دارد. در پژوهش حاضر، وضعیت اندازه دولت در میان کشورهای دی هشت و عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و ارتباط آن با درجه باز بودن تجاری با استفاده از داده‌های تابلویی طی سالهای ۲۰۱۲-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق، از شاخص شدت تجاری به عنوان یکی از زیر شاخه‌های باز بودن تجاری استفاده شده و با توجه به نتایج آزمون‌های ریشه واحد و نامانای بودن متغیرها براساس آماره‌های مورد بررسی، آزمون هم‌انباشتگی جهت اطمینان از رابطه بلند مدت متغیرها صورت گرفته و داده‌ها بر اساس مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات وزنی تخمین زده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معنی داری به میزان تقریباً ۱۲ درصد میان اندازه دولت و درجه باز بودن اقتصاد در میان کشورهای دی هشت و این ارتباط برای کشورهای عضو OECD معنی دار حاصل نشد ولی نتایج ارتباط اندازه دولت با اندازه کشور (کل جمعیت)، برای هر دو گروه کشور مثبت به دست آمده است. بنابراین با توجه به نتایج، لازم است با اعمال سیاست‌های مختلف تجاری جهت رفع موانع تجاری می‌توان در جهت تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب گام برداشت.

واژگان کلیدی: اندازه دولت، اندازه کشور، باز بودن تجاری، روش پانل دیتا

طبقه‌بندی JEL: H10, H40, J50, C2

۱. استاد اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان، دکتری

Nazar@hamoon.usb.ac.ir

اقتصاد توسعه دانشگاه تهران،

۲. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان، مدرس مدعو دانشگاه پیام نور بوشهر، پیام نور بوشهر.

mjofreh@yahoo.com

۱. مقدمه

در سالهای اخیر، تمایل به مطالعه اثر بزرگتر شدن باز بودن تجاری بر اندازه دولت بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این عقیده که باز بودن ممکن است ارتباط مثبتی با اندازه دولت داشته باشد را اولین بار کامرون (Cameron, 1978)، مطرح کرد و بعدها فرضیه جبران به وسیله راگی (Raggi, 1982)، مطرح گردید. اگر چه رودریک اولین کسی بود که جزئیات مطالعه تجربی بحث فرضیه جبران را هدایت و سپس تجزیه و تحلیل نمود و با مدل تعادل عمومی که توضیحات باورکردنی برای ارتباط مستقیم بین باز بودن و اندازه دولت مطرح کرده است. امروزه اختلاف اساسی بر سر اندازه دولت و ارتباط آن با متغیرهای مرتبط و همچنین تعریف پراکسی برای این متغیر می باشد. همه معتقدند که مکانیسم بازار به تنهایی نمی تواند تمام وظایف اقتصادی را انجام دهد. در بعضی موارد، خط مشی های دولتی می تواند منجر به نقش جدید و گسترده ای برای دولت شد.

آنچه هم اکنون مهم و حیاتی است و توجه بسیاری از پژوهشگران در حوزه اقتصادسیاسی و بخش عمومی را به خود جلب کرده است، حجم و اندازه دولت است. از آنجا که اندازه دولت به عنوان یک متغیر سیاسی با متغیرهای زیادی از جمله متغیرهای جمعیتی، رشد، تورم، توزیع درآمد، بخش خصوصی و بیکاری می تواند در ارتباط باشد، لذا همواره سیاستگذاران باید به این بخش و نحوه تأثیرش بر بخش های مختلف و متغیرهای مختلف اقتصادی را مد نظر قرار دهند. در این مقاله، هدف اصلی مطالعه بر روی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می باشد. با توجه به نتایج مقالات داخلی و خارجی در زمینه ارتباط بین اندازه دولت و باز بودن تجاری و اندازه دولت و اندازه کشور که حاکی از وجود ارتباط نامشخص این سه پارامتر میان کشورهای عضو OECD می باشد.

صامتی، صادقی و سامتی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود عنوان کردند: در بررسی هایی که بر روی کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه صورت گرفته و هر دو نتیجه یعنی کوچکتر بودن و بزرگتر بودن اندازه دولت تحت جهانی شدن حاصل شده، محقق نیز با توجه به مطالعات و بررسی های انجام شده، خواهان بررسی این ارتباط و خصوصاً ارتباط بین باز بودن تجاری و اندازه کشور بین این گروه کشورهای در حال توسعه و مقایسه آن با کشورهای منتخب توسعه یافته شده است. لذا در این پژوهش، به بررسی ارتباط درجه باز بودن تجاری، اندازه کشور و اندازه دولت در میان کشورهای عضو گروه دی هشت و همچنین به مقایسه این ارتباط برای کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه می پردازیم.

تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی و طبق اطلاعات کتابخانه ای، مجلات، پایگاه های اطلاعاتی و سایت های معتبر آماری از جمله وبسایت داده های مورد بررسی برای ۸ کشور در حال توسعه

مسلمان و ۳۰ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه طی سالهای ۲۰۱۲-۲۰۰۰ از وب سایت بانک جهانی^۱، دیتا مارکت^۲، بانک مرکزی^۳ و صندوق بین‌المللی پول^۴ گرفته شده است.

۲. ادبیات تحقیق

۲-۱. اندازه دولت

یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد دولت، مخارج دولت بابت پرداخت‌های انتقالی، هزینه دستگاه‌های دولتی و میزان اشتغال در بخش دولتی است. آنچه که دستگاه‌های دولتی بابت هزینه‌های پرسنلی و لجستیک خود هزینه می‌کنند، ممکن است در نظام‌های مردم‌سالار و به عنوان شاخصی از میزان رضایت مردم و به تبع آن، مقبولیت اجتماعی عملکرد دستگاه‌های دولتی تلقی شود. اما از سوی دیگر، هزینه‌های سنگین دستگاه‌های دولتی نشانه‌ای از میزان مالیات‌های اخلاص برانگیز و نیز بار توزیع درآمدها نیز می‌تواند تلقی گردد؛ که در این صورت نشانه‌ای از عدم محافظت دولت نسبت به حقوق مالکیت بخش خصوصی در مقابل مداخلات دولت است. شاخص‌هایی همچون اندازه نسبی دولت در اقتصاد، اندازه بنگاه‌های دولتی و سهم کارکنان دولت در اشتغال به عنوان نشانه‌هایی از فشارهای سیاسی برای بار توزیع منابع از برخی گروه‌ها به نفع گروه‌های دیگر نیز می‌توانند در نظر گرفته شوند (بانک جهانی، ۱۳۷۸: ۴-۲). در ادامه به این معیارها می‌پردازیم.

۲-۲. تحولات اقتصاد جهانی و اندازه دولت

در مورد اندازه مطلوب دولت، بین مکاتب و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی اتفاق نظر وجود ندارد. دولت‌ها را از نظر مداخله اقتصادی می‌توان در طیف گسترده‌ای دانست که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه‌ریزی ختم می‌شود. در میان این دو می‌توان به دولت قانونگذار، دولت رفاه، دولت سیاستگذار و دولت برنامه‌ریز بخشی اشاره کرد. با این حال، بیشتر صاحب‌نظران، بر لزوم ایجاد زیرساخت‌های لازم توسط دولت که شامل نهادهای حافظ حقوق مالکیت، سیاستگذاری، الزام به اجرای تعهدات و نظام با ثبات مالی است، برای عملکرد بهتر بازار تأکید می‌کنند و ارائه خدمات اصلی یا پایه‌ای بر نهادهای فوق‌را که شامل تأمین امنیت و سطحی از رفاه اجتماعی است، ضروری می‌دانند (باز محمدی و چشمی، ۱۳۸۵).

-
1. World Bank
 2. Data Market
 3. Central bank
 4. IMF

در قرن گذشته میلادی، حجم و اندازه بخش دولتی در اکثر نقاط جهان به شدت افزایش یافت. اقتصادهای صنعتی، دولت های رفاه را گسترش دادند و کشورهای در حال توسعه استراتژی های توسعه متکی به دولت را دنبال نمودند و نتیجه این اقدامات، گسترش چشمگیر دولت بود. همراه با این افزایش، توجه و تأکید از جنبه های کمی به زمینه های کیفی و از مداخله صرف دولت به درجه پاسخگویی به نیازهای مردم معطوف شده است. تحولات اقتصاد جهانی در سال های اخیر، فضایی را که دولت فعالیت می کند، تغییر داده و یکپارچگی اقتصاد کشورهای جهان و گسترش دموکراسی، زمینه اقدامات اختیاری دولت ها را محدود کرده است. مقررات مالیاتی، سرمایه گذاری و سیاست های اقتصادی هر کشور باید با شاخص های اقتصاد جهانی هماهنگ باشد. تحولات فناوری فرصت های جدیدی را برای ارائه خدمات دولتی ایجاد کرده و نقش بازار را گسترش داده و این تحولات به معنی نقش جدید و گسترده ای برای دولتها است. نقشی که از ارائه کننده صرف به تسهیل کننده و تنظیم کننده متحول شده است.

برخی از کشورهای صنعتی با دولت رفاه عمومی مواجه هستند که با توجه به گستره قابل ملاحظه آن، برای ارائه خدمات ناگزیر از گزینش های سخت می باشند. از طرف دیگر، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که دولت ها قادر به ارائه خدمات اولیه مانند تأمین حقوق مالکیت، ایجاد راه ها، تأمین بهداشت و آموزش نبوده اند، عکس العمل های مردم، دولت را با مشکل مواجه ساخته است. کشورهای اخیر با نوعی تسلسل باطل روبرو هستند. از یک طرف، مردم و مؤسسات به دلیل نامطلوب بودن خدمات دولتی، از پرداخت مالیات خودداری می کنند و از سوی دیگر، عدم پرداخت مالیات موجب نامطلوب شدن خدمات شده است (کردیچه، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

۲-۳. معیارهای سنجش اندازه دولت

اندازه بخش دولتی را معمولاً در ارتباط با اقلام اصلی حساب های ملی، مانند محصول ناخالص داخلی با درآمد ملی، درآمد ملی و درآمد شخصی تعریف می کنند. در بیشتر بررسی های تطبیقی که در خصوص اندازه بخش دولتی انجام گرفته، از شاخص محصول ناخالص داخلی استفاده شده است. محصول ناخالص داخلی، در واقع کل مخارجی است که صرف خرید محصولات (کالا و خدمات) می شود. دولت از طریق خرید کالاها و خدمات، سهم خود را در این مخارج ایفا می کند. برای بررسی نسبت مخارج دولت به محصول ناخالص داخلی، تعاریف به کار گرفته شده باید به نحوی باشد که اولاً، مقایسه از یک سال به سال دیگر را ممکن سازد؛ ثانیاً، بررسی تطبیقی آن امکان پذیر باشد. بدین منظور می باید:

- ۱- دامنه شمول دولت در کشورهای مورد مقایسه یکسان و هماهنگ باشد. در آمارهای مالی صندوق بین‌المللی پول از تعابیر زیر در این زمینه استفاده شده است:
- دولت مرکزی مبنای بودجه؛
 - دولت مرکزی، به معنی عام آن که شامل دولت مرکزی مبنای بودجه به علاوه حساب‌های فرابودجه‌ای و تأمین اجتماعی می‌گردد؛
 - دولت استانی یا منطقه‌ای؛
 - دولت عمومی، شامل هر سه مورد فوق می‌گردد؛
 - بخش عمومی، شامل دولت عمومی به علاوه شرکت‌های دولتی.
- ۲- برای همسنگ کردن آمار سالانه، تغییرات قیمتی (مانند نرخ ارز) باید منظور و براساس یک پایه مشترک تعدیل گردد.
- ۳- چنانچه اقلامی به طور موردی در برخی سال‌ها در بودجه منظور شده باشد، اگرچه در چارچوب تعریف باشد، می‌باید به سایر سال‌ها تعمیم یابد و اگر خارج از تعاریف کلی باشد، از سری زمانی حذف گردد (کردبچه، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰۸).
- لین (Lin, 1994)، شاخص اندازه دولت را به صورت زیر معرفی نمود: ۱- نسبت مخارج مصرفی به تولید ناخالص داخلی، ۲- نسبت مخارج غیر تولیدی دولت به تولید ناخالص داخلی، ۳- مخارج کل دولت، ۴- مخارج سرمایه‌گذاری غیر دولتی.
- هسیه و لای (Hsieh and Lai, 1994)، ودر و گالووی (Vedder and Gallaway, 1998)، شاخص‌های زیر را برای اندازه دولت معرفی نمودند: کل مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، مخارج تأمین درآمد به تولید ناخالص داخلی، مخارج مراقب از سلامت به تولید ناخالص داخلی، مخارج دفاع ملی به تولید ناخالص داخلی، مخارج سرمایه‌گذاری خالص به تولید ناخالص داخلی (Lee and Tungchen, 2005). در حال حاضر رایج‌ترین شاخص‌های سنجش اندازه دولت، هزینه بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی می‌باشد.
- در این پژوهش با توجه به مطالعات صورت گرفته و نتایج حاصل از آنها، محقق نسبت کل مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی را به عنوان شاخص اندازه‌گیری اندازه دولت در نظر گرفته است.
- رام (Ram, 2009)، در پژوهش خود از نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی استفاده کرده است و بنا روچ و پاندی (Benarroch & Pandey, 2012)، نیز نسبت مخارج کل دولت به تولید ناخالص داخلی جهت سنجش اندازه دولت مورد استفاده قرار داده‌اند.

۴-۲. باز بودن تجاری و اندازه دولت

کامرون (Cameron, 1978)، اولین کسی بود که اثبات کرد باز بودن تجاری بین سالهای ۱۹۷۵-۱۹۶۰ منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود و نیز اشاره دارد که بیشتر کشورهایی با اقتصادهای باز تمایل به متحد شدن دارند. با یکی شدن معاملات، تقاضای بیشتر برای حراست اجتماعی (حمایت اجتماعی) به وسیله افزایش درآمدهای مالیاتی براساس فرضیه جبران ایجاد می‌شود. بر این اساس بیشتر اقتصادهای باز، تمایل به بزرگتر شدن بخش دولت دارند که ارتباط این دو عامل به وسیله رودریک (Rodrik, 1998)، مورد ارزیابی قرار گرفت.

رودریک (Rodrik, 1996)، در زمینه ارتباط بین باز بودن و اندازه دولت معتقد است که کشورهای باز در معرض شوک‌های خارجی قرار دارند و به بخش عمومی بزرگتری برای فراهم آوردن نقش کاتالیزور نیازمندند و بین باز بودن تجاری و اندازه دولت ارتباط مثبتی برقرار است. درحالی که آلیسینا و وکزیارگ (Alesina & Wacziarg, 1998) این ارتباط را از طریق معرفی اندازه کشور مطرح کردند. رام (Ram, 2009)، در پژوهش خود در زمینه ارتباط بین باز بودن تجاری، اندازه دولت و اندازه کشور اثبات کرده است که ارتباط بین باز بودن تجاری و اندازه کشور طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۶ مثبت و شاخص اندازه دولت را نسبت سهم مخارج مصرفی به تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته است.

اسلام (Eslam, 2004)، معتقد است که اندازه دولت، اثری بر بزرگتر شدن باز بودن تجاری ندارد و یا علیتی از باز بودن تجاری، به اندازه دولت وجود ندارد.

گرن و تراسک (Geran & Trask, 2005)، نتیجه گرفته که اندازه گیری اندازه دولت برای اعتبار پیشنهاد رودریک قانع کننده است. استفاده غیر بودجه‌ای اندازه گیری اندازه دولت (مثل مالکیت دولت، کنترل قیمت، موانع تجاری و غیره) نشان می‌دهند که کشورهایی با باز بودن کمتر، بخش عمومی بزرگتری دارند. شایان ذکر اینکه بیشترین مطالعات، به ارتباط بین باز بودن اقتصاد و اندازه بخش عمومی کشورها با تمرکز بر باز بودن تجاری استوار است. بیشترین توجه به باز بودن مالی، اگر هیچ اقتصادی باز نباشد، امکان دارد بر اندازه دولت مرکزی و سطح دولت محلی مرتبط باشد.

کامرون (Cameron, 1978)، ارتباط بین باز بودن تجاری و بخش عمومی برای ۱۸ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه را مثبت به دست آورد. توضیحات او ترکیبی از اقتصاد، جامعه‌شناسی و ویژگی‌های سیاسی است که درجه‌ای از تمرکز صنعتی و قدرت اتحادیه‌های کارگری نقش مهمی را بازی می‌کند. کامرون معتقد است که معاهده و یا پیمان کار می‌تواند به تغییر دستمزد برای افزایش هزینه انتقال منجر شود.

سرانجام بخش عمومی با استفاده از ابزار ریسک، منجر به کاهش اثر باز بودن تجاری را بر درآمد شهروندان می‌شود.

۲-۵. پیشینه تحقیق

۲-۵-۱. مطالعات انجام شده خارجی

رودریک (Rodrik, 1996)، مدلی برای اینکه "چرا بیشتر کشورهایی با اقتصاد باز دارای دولت‌های بزرگتر هستند؟" ارائه کرد. او به بررسی این ارتباط برای کشورهایی با درآمد پایین و بالا که شامل: ۲۳ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱، آمریکای لاتین و کشورهای شرق آسیا و کشورهای آفریقایی به صورت برش مقطعی برای سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۹ و ۱۹۹۲-۱۹۹۰ در نظر گرفت. متغیر وابسته در این مدل، باز بودن تجاری و متغیرهای توضیحی شامل: مخارج دولت، مسکن، فرهنگ، رفاه و امنیت اجتماعی، کالاها و خدمات اقتصادی، سلامت، دفاع، خدمات عمومی و غیره (پرداخت‌های بهره). میزان R^2 ، به ترتیب برای کل مخارج دولت و باز بودن ۰/۲۴، خدمات ۰/۱۳، دفاع ۰/۱۵۴، تحصیلات ۰/۰۸، سلامت ۰/۰۹، رفاه ۰/۲۷، مسکن ۰/۱۲، فرهنگ ۰/۷۳، کالاها و خدمات اقتصادی ۰/۳۳ و غیره (پرداخت‌های بهره) ۰/۱۲ و میزان R^2 ، ۰/۷۱ است.

نتایج حاکی از آن است که دولت‌ها در این کشورها جهت تأمین رفاه و تأمین اجتماعی و کاهش ناطمینانی خارجی، هزینه‌های بیشتری را متقبل می‌شوند و ناطمینانی تجارت با کشورهایی که صادرات محدود و در عوض تنوع بالایی در اقلام صادراتی دارند، به مراتب بیشتر است.

آلیسینا و وکزیارگ (Wacziarg, Alesina, 1997)، به بررسی ارتباط اندازه دولت، اندازه کشور و باز بودن تجاری برای دوره زمانی ۱۹۶۰-۱۹۸۹ به صورت سری زمانی و برش مقطعی، با استفاده از مدل آلیسینا و اسپولار (Alisina & Spolar, 1997) و آلیسینا و همکارانش (Alesina & etl) پرداختند. نتایج حاکی از تخمین که با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی اندازه‌گیری شد، بیانگر ارتباط منفی بین اندازه کشور و اندازه دولت است که این مشاهدات بر پایه تئوری‌های اقتصادی کشورهای مورد نظر است. با توجه به این مطالعه تجربی، نتایج حاکی از آن است که کشورهای بزرگ می‌توانند دولت‌های کوچکتر داشته باشند و آنها که قبلاً از اندازه بازار نفع برده‌اند، نیازشان به باز بودن تجارت کاهش می‌یابد. همچنین با استفاده از این دو مدل به این نتیجه رسیدند که ارتباط بین باز بودن تجاری و اندازه دولت مثبت است و تحت تأثیر اندازه کشور قرار دارد و همچنین آلیسینا و همکارانش (Alesina & etl) به بررسی ارتباط تجارت، رشد و اندازه کشور پرداختند. نتایج حاکی از آن است که موضوع اندازه برای عملکرد اقتصادی و اندازه کشور به عنوان یک متغیر درونزا باید در نظر

گرفته شود و به عوامل اقتصادی از جمله تجارت، ناهمگنی در رجحان ها و ... بستگی دارد و نشان دادند که چگونه اثر بازدهی نسبت به مقیاس می تواند از مدل های رشد نئوکلاسیک استنتاج شود. برونٹی و وندر (Bruntti & Wender, 1999)، در مقاله ای تحت عنوان اقتصادهای باز، دولت های بزرگ دارند، به بررسی ارتباط باز بودن و اندازه دولت برای کشورهای آفریقا، آمریکای لاتین و OECD و دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۹۰ پرداختند و نتایج مطالعه حاکی از وجود ارتباط معنی دار بین اندازه دولت و باز بودن است و باز بودن، اثر سیاسی- اقتصادی مثبت دارد. و همچنین باز بودن اقتصاد برای دولت، خدمات دولتی را بهبود می بخشد.

سانز (Sanz, 2003)، در مقاله خود تحت عنوان آیا جهانی شدن اندازه دولت را افزایش می دهد؟، به تجزیه و تحلیل اینکه آیا باز بودن تجاری بر اندازه و ترکیب مخارج دولت در نمونه ۲۶ تایی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای دوره ۱۹۹۷ - ۱۹۷۰ پرداخت. این مطالعه فرضیات رودریک را تأیید کرد. باز بودن تجاری منجر به افزایش رفاه اجتماعی و کاهش مخارج مربوط به سلامت در سهم مخارج دولتی می شود. این تابع به مخارج، تحصیلات، حمل و نقل، ارتباط و خانه داری مربوط می شود. نتایج حاصل از تخمین، ارتباط مثبت و معناداری را نشان می دهد، به اندازه ۰/۱۷ و ۰/۲ که مطابق با تخمین آلیسینا و همکارانش (Alesina & etl, 1998) تأیید می شود و روش تخمین در این پژوهش، حداقل مربعات معمولی است. کشش منفی به اندازه ۰/۲۸، سهم درآمد سرانه بر نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی است که بر خلاف قانون واگنر می باشد.

لیبراتی (Liberati, 2006)، به مطالعه پیرامون باز بودن تجاری، باز بودن مالی و اندازه دولت برای ۱۶ کشور از جمله کشورهای اروپایی به اضافه آمریکا، کانادا و استرالیا برای دوره ۱۹۷۵-۱۹۶۵ در داده های سری زمانی و برش مقطعی^۱ پرداخت. این مطالعه بر پایه فرضیات رودریک (Rodrik, 1998) و کامرون (Cameron, 1978) استوار است. لیبراتی با استفاده از مدل اثرات ثابت و تصافی و روش تجزیه و تحلیل پنل پویا^۲ به این نتیجه رسید که بین اندازه دولت و باز بودن مالی، ارتباط منفی برقرار است. این مطالعه را فرضیات رودریک و کامرون مبنی بر مثبت بودن ارتباط تجارت خارجی با اندازه دولت را تأیید نمی کند.

هنسلین (Hanslin, 2008)، به تجزیه و تحلیل اثر آزاد سازی تجاری بر مخارج دولت در مدل تعادل عمومی با در نظر گرفتن عرضه کالاهای تجاری و غیر تجاری صنعتی تحت شرایط رقابت انحصاری پرداخت. هنسلین مدلی برای این ارتباط ارائه می دهد و نتایج حاکی از آن است که کالاهای مصرفی ارتباط مثبت با درجه باز بودن دارند، اگر چه کشورهای ثروتمند و تولید کننده اندازه

1. Time Series & Cross Section

2. Panel Data

دولت شان کمتر از حد بهینه است. هنسلین مدل تجاری را با در نظر گرفتن دو کشور مختلف، صنایع تجاری و غیر تجاری، تولید داخلی هر کشور و مصرف کنندگان با سلاقی متفاوت را در نظر گرفت و اثر باز بودن بر اندازه بهینه کالاهای عمومی را تجزیه و تحلیل کرد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که شرط بهینه مصرف عمومی کالا بستگی به درجه باز بودن دارد و کشورهای ثروتمند و تولید کننده، اندازه بهینه کمتر را انتخاب می کنند.

بناروچ و پاندی (Benarroch & Pandey, 2011)، به بررسی ارتباط درجه باز بودن تجاری و اندازه دولت برای دوره ۲۰۰۰-۱۹۷۰، برای ۱۱۹ کشور با درآمد پایین و بالا پرداختند. این مطالعه، نتایج تحقیقات رودریک (۱۹۹۸) را تأیید می کند. بر اساس نتایج این مطالعه، ارتباط میان درجه باز بودن تجاری و اندازه دولت مطابق فرضیه، مثبت است. با افزایش درجه باز بودن تجاری برای کشورهای با درآمد پایین باعث می شود، مخارج تحصیلات افزایش یابد. برای کشورهای با درآمد بالا، بر اساس فرضیه، شواهدی مبتنی بر ارتباط علی منفی میان باز بودن تجاری و اندازه دولت وجود دارد. مدل مورد استفاده، مدل اثرات ثابت با استفاده از داده های پانل است.

لیبراتی (Liberati, 2013)، اندازه دولت و باز بودن تجاری را طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۶۲ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی و مدل اثرات ثابت مورد بررسی قرار داد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که، ارتباط منفی میان اندازه کشور و باز بودن تجاری، نمی تواند در همه شرایط اعتبار داشته باشد و در بین این ۱۵۶ کشور مورد بررسی، هیچگونه علائمی بین اندازه دولت و باز بودن اقتصاد نشان داده نشد و در نتیجه فرضیات آلیسینا و وکژبارگ در این زمینه از اعتبار کافی برخوردار نیست.

۲-۵-۲. مطالعات انجام شده داخلی

دادگر و نظری (۱۳۸۷)، به بررسی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۳ در ایران پرداختند، لذا بر اساس متغیرهای رشد اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد، شاخص صنعتی شدن، تورم و اندازه دولت و با استفاده از روش خود رگرسیون برداری، تحلیل شوک ها و تجزیه واریانس، به بررسی این ارتباط پرداختند. نتایج مطالعات حاکی از آن است که جهانی شدن تجارت در ایران باعث رشد اندازه دولت گردیده است و بیشترین توضیح دهندگی رشد اندازه دولت را در اقتصاد ایران نشان می دهد. لذا پیوستن به سازمان تجارت جهانی^۱ می تواند با ریسک های خارجی بیشتری همراه باشد و به دنبال آن، هزینه ای تحمیل نماید که آثار سوئی بر شرایط اقتصادی-اجتماعی داشته باشد.

1. World Trade Organization (WTO)

تقی نژاد عمران و شهروزی فرد (۱۳۸۸)، به بررسی اثر باز بودن تجاری بر اندازه دولت در کشورهای منتخب پرداختند. این پژوهش برای یک نمونه ۳۵ تایی از کشورهای با گروه درآمدی متوسط به پایین، شامل ایران، برای دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۰ استفاده شده و روش اقتصادسنجی به کار رفته، روش داده‌های پنل^۱ است و نتایج برآورد الگو نشان می‌دهد که باز بودن تجاری، اثر مثبت و معناداری بر اندازه دولت دارد.

صادقی و همکاران (۱۳۹۰)، آثار جهانی شدن بر اندازه دولت را در کشورهای منتخب آسیایی (اندونزی، تایلند، فیلیپین، مالزی و ایران) برای دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۸۰ مطالعه نموده‌اند و نتایج بیانگر این است که تأثیر جهانی شدن بر اندازه دولت در کشورهای مورد مطالعه مثبت می‌باشد. روش اقتصادسنجی در این مطالعه، داده‌های تلفیقی و الگوی اثرات ثابت و مدل گرت (Garret.2001) است.

کریمی پتانلار و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به بررسی اثر جهانی شدن تجاری و مالی بر اندازه دولت در ایران پرداختند. آنها با به کارگیری روش آزمون کرانه و خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) و مدل تصحیح خطا (ECM)، برای دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۲ به بررسی این ارتباط پرداختند. نتایج حاکی از آن است که جهانی شدن تجاری بر اندازه دولت تأثیر مثبت دارد و به عبارت دیگر، با گسترش جهانی شدن تجاری، بر حجم فعالیت‌های اقتصادی دولت افزوده می‌شود. از طرف دیگر، نتایج تخمین‌ها حاکی از آن است که جهانی شدن مالی از نظر آماری تأثیر معناداری بر اندازه دولت ندارد. در کوتاه مدت، تنها متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه دارای تأثیر معناداری بر متغیر اندازه دولت را داراست و ضریب تصحیح آن به میزان $-۰/۹۴$ ، تخمین زده شده که از نظر آماری معنادار است. بنابراین بر اساس یافته‌های این مقاله، تقریباً ۹۴ درصد از عدم تعادل به علت تکانه‌های سال قبل، در سال جاری از بین رفت.

قادری و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی اثر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت با رویکرد پانل دیتا برای ۱۵۹ کشور طی دوره سالهای ۲۰۰۹-۲۰۰۰ پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که جهانی شدن تجارت بر کل کشورها اثر مثبتی بر اندازه دولت دارد. اما با تفکیک کشورها به کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه، این اثر متفاوت است. به طوری که اثر جهانی شدن در کشورهای توسعه یافته منجر به کاهش اندازه دولت و در کشورهای در حال توسعه منجر به افزایش اندازه دولت می‌شود.

۳- معرفی مدل

مدل مورد مطالعه در این پژوهش بر اساس تئوری رودریک (Rodrik, 1998) و آلیسینا و وکژیارگ (Alisina & Wacziarg, 1997) است که مقالات خارجی در این زمینه، مدل ارائه شده را، هم به صورت لگاریتمی و هم، به صورت خطی تخمین زده اند.

رام (Ram, 2009)، به صورت لگاریتمی و لیبراتی (Liberati, 2013) مدل را به صورت خطی در نظر گرفته اند. در اینجا نیز مدل به صورت لگاریتمی در نظر گرفته شده است.

اندازه دولت به عنوان متغیر سیاستی که اهداف اصلی این پژوهش است، در اکثر مطالعات صورت گرفته، به صورت نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی یعنی G/GDP در نظر بوده، باز بودن تجاری، متغیر دیگری است که به صورت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است $(X+M/GDP)$. کل جمعیت کشورهای عضو گروه دی هشت^۱ به عنوان پراکسی اندازه کشور مد نظر بوده و متغیر دیگری که در مدل مورد استفاده قرار گرفته، تولید ناخالص داخلی سرانه است که به عنوان متغیر توضیحی در سمت راست هر سه مدل ها وجود دارد. مدل به صورت لگاریتمی- خطی توسط رام (Ram, 2009)، به صورت زیر ارائه گردید:

$$3-1 \quad LGOV_{it} = a_0 + a_1 LSIZE_{it} + a_2 LRY_{it} + uit$$

$$3-2 \quad LOPEN_{it} = b_0 + b_1 LSIZE_{it} + b_2 LRY_{it} + uit$$

$$3-3 \quad LGOV_{it} = c_0 + c_1 LOPEN_{it} + c_2 LRY_{it} + uit$$

در این تحقیق، مدل را ابتدا به صورت لگاریتمی تخمین می زنیم.

لگاریتم اندازه دولت = $LGOV_{it}$ ، لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه، $LSIZE_{it}$ = لگاریتم باز بودن تجاری، $LOPEN_{it}$ = لگاریتم اندازه کشور، LRY_{it} = لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه.

۴. آزمون ها و تخمین مدل

۴-۱- نتایج آزمون مانایی یا ساکن پذیری

نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد IPS، LLC، بریتونگ، هدری و فیشر برای دو گروه از کشورهای عضو گروه دی هشت و کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه طی سالهای ۲۰۱۲-۲۰۰۰ در جدول ۴-۱ و ۴-۲ نشان داده شده، و آزمون هدری تنها آزمون ریشه واحد در میان آزمون های انجام شده در این تحقیق می باشد که فرض صفر آن مبنی بر عدم وجود ریشه واحد و فرضیه مقابل، نشان دهنده وجود ریشه واحد است.

جدول ۱-۴. نتایج آزمون ریشه واحد در واحد سطح برای کشورهای دی هشت

طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰

متغیره -	آماره آزمون LLC	آماره آزمون Breitung-t stat	آماره آزمون Im, Pesaran & Shin	آماره آزمون ADF-Fisher Chi-Square	آماره آزمون PP-Fisher Chi-Square	آماره آزمون Hadri Z-stat
LGOvit	-۳,۷۰۵۹۰ (۰,۰۰۰)	-۱,۷۵۷۴۹ (۰,۰۳۹)	-۰,۹۱۰۹۷ (۰,۱۸۱۲)	۲۰,۴۱۸۹ (۰,۲۰)	۱۹,۹۶۶۴ (۰,۲۲۱)	۴,۲۹۲۲۷ (۰,۰۰۰)
LSZEt	-۹,۲۹۲۰۷ (۰,۰۰۰)	۳,۹۹۲۸۱ (۱,۰۰)	-۱,۵۴۶۵۸ (۰,۰۶۱۰)	۴۲,۵۰۵۶ (۰,۰۰)	۲۷,۰۹۰۱ (۰,۰۴۰)	۷,۲۲۹۰۰ (۰,۰۰)
LOPENit	-۲,۹۹۸۰۷ (۰,۰۰۱)	-۰,۳۶۹۲۵ (۰,۳۵۶)	-۰,۰۹۲۵۹ (۰,۴۶۳۱)	۱۵,۶۰۲۱ (۰,۴۸)	۱۸,۵۶۳۴ (۰,۲۹۲)	۴,۶۷۳۵۲ (۰,۰۰)
LRYit	۵,۱۴۸۴۳ (۰,۰۰)	۰,۴۴۴۱۱ (۰,۶۷۱)	-۱,۰۳۹۱۴ (۰,۱۴۹)	۲۲,۳۱۸۳ (۰,۱۳)	۳۱,۴۶۸۷ (۰,۰۱۱)	۵,۳۹۳۶۹ (۰,۰۰)

منبع: یافته های تحقیق

مقادیر داخل پرانتز احتمال هستند.

تفسیر: همان طور که در جدول ۱-۴ مشاهده می شود، برای گروه کشورهای دی هشت در دوره مورد بررسی بر اساس آماره آزمون هدری و LLC تمامی متغیرها مانا هستند ولی مقادیر حاصل از آماره آزمون بریتونگ، ADF, IPS و فیشر بجز لگاریتم اندازه کشور که براساس آماره آزمون ADF و فیشر در سطح ۵ درصد مانا است، بقیه متغیرها مانا نیستند. همچنین برای گروه کشورهای عضو OECD نیز همه متغیرهای مورد بررسی بر اساس آماره آزمون هدری و LLC مانا هستند. متغیر اندازه دولت بر اساس آماره آزمون بریتونگ، ADF, IPS و فیشر مانا هستند؛ در حالی که سایر متغیرها نیز حداقل در چهار مورد از آزمون های فرضیه نامانا بودن یا ریشه واحد را بجز درجه باز بودن تجاری که بر اساس آماره آزمون فیشر مانا است، رد نمی کنند

جدول ۲-۴. نتایج آزمون ریشه واحد در واحد سطح کشورهای OECD طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰

متغیرها	آماره آزمون LLC	آماره آزمون Breitung t-stat	آماره آزمون Im, Pesaran & Shin	آماره آزمون ADF-Fisher Chi-Square	آماره آزمون PP-Fisher Chi-Square	آماره آزمون Hadri Z-stat
LGOVIt	-۱۰,۱۰۹۲ (۰,۰۰۰)	-۲,۰۱۲۵۴ (۰,۰۲۲۱)	-۳,۱۹۲۱۲ (۰,۰۰۰۷)	۹۸,۳۰۷۰ (۰,۰۰۱۳)	۴۲,۱۴۴۸ (۰,۰۶۱۲)	۹,۴۵۳۰۶ (۰,۰۰۰)
LSIZEIt	-۱۰,۷۱۲۲ (۰,۰۰۰)	-۱,۵۷۷۱۷ (۰,۰۵۷۴)	۱,۶۲۳۷۹ (۰,۰۵۲۲)	۱۰۷,۹۸۱ (۰,۰۰۰۱)	۶۱,۲۹۶۰ (۰,۰۴۲۹)	۱۳,۶۹۹۹ (۰,۰۰۰)
LOPENIt	-۵,۹۰۴۶۶ (۰,۰۰۰)	-۰,۶۳۲۴۱ (۰,۲۶۳۶)	-۱,۴۵۴۴۷ (۰,۰۷۲۹)	۶۸,۷۰۰۱ (۰,۰۲۰۶۴)	۸۳,۲۱۰۱ (۰,۰۲۵)	۹,۹۸۷۷۷ (۰,۰۰۰)
LRYIt	-۲,۷۷۷۰۰ (۰,۰۰۲۷)	۰,۸۲۵۸۶ (۰,۷۹۵۶)	۱,۹۳۳۱۵ (۰,۹۷۳۴)	۳۴,۱۳۰۹ (۰,۰۹۹۷۱)	۲۲,۹۰۳۴ (۱,۰۰۰)	۱۰,۲۵۲۷ (۰,۰۰۰)

منبع: یافته‌های تحقیق

مقادیر داخل پرانتز احتمال هستند.

۲-۴- آزمون هم‌انباشتگی کائو

در این قسمت، از آزمون فیشر و کائو برای بررسی هم‌انباشتگی میان متغیرها استفاده می‌گردد که نتایج حاصل از آزمون‌ها به ترتیب در جداول ۳-۴، ۴-۴ و ۴-۵ آمده است. در این پژوهش با توجه به آزمون‌های مانایی که صورت گرفت، جهت بررسی رابطه بلند مدت میان متغیرهای اندازه دولت با اندازه کشور و درجه با زبون تجاری، آزمون هم‌انباشتگی انجام شده است.

جدول ۳-۴. نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو برای مدل اول

	کشورهای عضو OECD	کشورهای دی هشت
ADF	۴,۰۲۱۳۲۰ (۰,۰۰۰۰)	-۲,۷۵۹۰۶۹ (۰,۰۰۲۹)
Residual variance	۰,۰۰۱۱۰۳	۰,۰۰۰۸۶۱۴
HAC variance	۰,۰۰۱۳۸۹	۰,۰۰۰۸۴۸۹

منبع: یافته‌های تحقیق

مقادیر داخل پرانتز احتمال هستند.

همان طور که از نتایج جدول ۳-۴ مشاهده می شود، برای هر دو گروه کشور، کشورهای دی هشت و عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه بر اساس آماره t محاسباتی، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم انباشتگی در مدل اول رد می شود.

جدول ۴-۴. نتایج آزمون هم انباشتگی کائو برای مدل دوم

	کشورهای دی هشت	کشورهای عضو OECD
ADF	-۳,۲۷۰,۲۴۲ (۰,۰۰۰۵)	-۱,۵۲۵,۸۰۰ (۰,۰۵۳۵)
Residual variance	۰,۰۱۴۹۶۵	۰,۰۰۴۳۱۰
HAC variance	۰,۰۱۳۴۲۹	۰,۰۰۴۳۱۵

منبع: یافته های تحقیق

مقادیر داخل پرانتز احتمال هستند.

بر اساس نتایج جدول ۴-۴ در گروه کشورهای عضو دی هشت و OECD با توجه به آماره های به دست آمده و احتمال محاسباتی، نشان می دهد که در سطح احتمال ۵ درصد، فرضیه عدم هم انباشتگی رد می شود.

جدول ۴-۵. نتایج آزمون هم انباشتگی کائو برای مدل سوم

	کشورهای دی هشت	کشورهای عضو OECD
ADF	-۳,۲۷۰,۲۴۲ (۰,۰۰۰۵)	-۴,۴۰۲,۳۴۰ (۰,۰۰۰۰)
Residual variance	۰,۰۱۴۹۶۵	۰,۰۰۱۱۳۲
HAC variance	۰,۰۱۳۴۲۹	۰,۰۰۱۴۵۷

منبع: یافته های تحقیق

مقادیر داخل پرانتز احتمال هستند.

نتایج حاصل از آزمون هم انباشتگی کائو برای مدل سوم نیز بر اساس آماره t محاسباتی در سطح احتمال ۵ درصد، فرضیه عدم وجود هم انباشتگی را رد می کند.

۴-۳- نتایج آزمون LR

نتایج حاصل از آزمون، در ۴ قسمت و برای هر قسمت، آماره F و احتمال محاسبه شده از طریق نرم افزار Eviews7 در جداول آمده است. مقادیر احتمال در سطح ۵ درصد نشان می دهد که برای مدل اول، فرضیه اول و سوم به ترتیب، مبنی بر صفر بودن اثرات ثابت مقطعی و صفر بودن اثرات ثابت

مقطعی و زمانی در میان گروه کشورهای دی هشت و OECD رد می شود، برای مدل دوم، فرضیه اول و سوم رد می شود و برای مدل سوم، هر سه فرضیه برای کشورهای دی هشت و OECD رد می شود.

جدول ۶-۴. آزمون F لیمر برای مدل اول

آماره	کشورهای D8	کشورهای OECD
Cross-section F	۴۱,۷۸۰۳۴۵ (۰,۰۰۰)	۲۶۵,۶۸۰۸۱۱ (۰,۰۰)
Cross-section Chi-square	۱۵۷,۹۵۲۳۰۸ (۰,۰۰)	۱۲۲۷,۳۶۱۵۷۲ 0
Period F	۱,۲۹۵۰۷۴ (۰,۲۳۷۴)	۱۳,۰۴۲۶۱۲ (۰,۰۰)
Period Chi-square	۱۸,۰۴۹۴۴۷ (۰,۱۱۴۲)	۱۴۵,۵۳۹۹۸۵ (۰,۰۰)
Cross-Section/Period F	۱۶,۵۷۷۸۸۳ (۰,۰۰)	۱۹۳,۸۷۹۰۵۹ (۰,۰۰)
Cross-Section/Period Chi-square	۱۶۴,۰۲۵۲۷۶ (۰,۰۰۰)	۱۲۳۹,۰۲۰۰۲۳ (۰,۰۰)

منبع: یافته های تحقیق
مقادیر داخل پرانتز احتمال هستند.

جدول ۷-۴. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای مدل دوم

آماره	کشورهای D8	کشورهای OECD
Cross-section F	۷۷,۵۵۸۹۵۷ (۰,۰۰)	۳۱۹,۶۴۲۵۴۸ (۰,۰۰)
Cross-section Chi-square	۲۱۱,۲۱۲۸۴۲ (۰,۰۰)	۱۲۹۶,۶۳۵۶۵۶ (۰,۰۰)
Period F	۰,۶۴۰۰۶۴ (۰,۸۰۲۰)	۲۰,۲۶۰۳۴۷ (۰,۰۰)
Period Chi-square	۹,۳۱۱۸۵۹ (۰,۶۷۶۱)	۲۰۷,۵۵۷۲۹۵ (۰,۰۰۰)
Cross-Section/Period F	۳۱,۲۳۰۰۴۱ (۰,۰۰)	۲۳۴,۸۰۴۷۲۷ (۰,۰۰)
Cross-Section/Period Chi-square	۲۱۹,۲۸۸۴۳۰ (۰,۰۰)	۱۳۱۰,۸۶۶۹۵۶ (۰,۰۰)

منبع: یافته های تحقیق
مقادیر داخل پرانتز احتمال هستند.

جدول ۸-۴. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای مدل سوم

آماره	کشورهای D8	کشورهای OECD
Cross-section F	۳۷,۲۹۶۹۱۹ (۰,۰۰)	۲۷۵,۳۶۵۵۷۰ (۰,۰۰)
Cross-section Chi-square	۱۴۸,۸۴۸۹۴۴ (۰,۰۰)	۱۲۴۰,۷۳۵۱۵۹ (۰,۰۰)
Period F	۱,۹۷۰۳۴۰ (۰,۰۳۷۵)	۲۰,۴۸۸۴۳۱ (۰,۰۰)
Period Chi-square	۲۶,۳۴۹۰۷۵ (۰,۰۰۹۶)	۲۰۹,۳۶۴۹۹۶ (۰,۰۰)
Cross-Section/Period F	۱۴,۰۴۰۰۹۸ (۰,۰۰)	۲۰۰,۲۷۸۸۳۶ (۰,۰۰۰۰)
Cross-Section/Period Chi-square	۱۵۰,۵۵۷۶۹۲ (۰,۰۰)	۱۲۵۱,۱۶۵۵۰۵ (۰,۰۰)

منبع: یافته های تحقیق
مقادیر داخل پرانتز احتمال هستند.

در این تحقیق، بر اساس آزمون لیمر و آزمون های مرتبط با داده های پانل، همچنین با لحاظ اینکه تعداد جامعه و نمونه مورد نظر ثابت است، از مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات وزنی مدل های مورد نظر را تخمین زده ایم.

۴-۵ تخمین مدل

در این قسمت، به تخمین مدل با استفاده از روش اثرات ثابت می پردازیم.

جدول ۹-۴. نتایج برآورد مدل اول

کشورهای دی هشت				
R-squared=۰,۹۰۸۴۷۴	احتمال	آماره F	ضرایب	متغیرها
	۰,۰۰۰۰	-۵,۶۹۱۲۹۷	-۱۸,۹۵۰۷۰	C
Adjusted R-squared = ۰,۸۹۹۷۱۱	۰,۰۰۰۰	۶,۲۱۱۱۹۲	۱,۱۳۲۲۹۹۵	LOG(SIZE)
	۰,۰۰۰۰	۶,۵۶۱۳۶۱	۰,۰۵۵۶۳۵	LOG(GDP)
کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه				
R-squared=۰,۹۴۸۹۵۵	۰,۰۰۰۰	-۶,۶۸۴۵۸۳	-۸,۹۲۵۳۲۷	C
Adjusted R-squared = ۰,۹۴۴۵۳۵	۰,۰۰۰۰	۸,۱۴۷۰۲۶	۰,۷۴۷۳۷۵	LOG(SIZE)
	۰,۳۴۳۴	-۰,۹۴۸۷۳۰	-۰,۰۴۷۶۵۲	LOG(GDP)

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۱۰-۴. نتایج برآورد مدل دوم

R-squared=۰.۹۵۱۲۶۴	احتمال	آماره F	ضرایب	متغیرها
	۰.۰۹۴۱	-۱,۶۹۱۱۶۵	-۷,۴۷۰۶۸۵	C
Adjusted R-squared =۰.۹۴۶۵۹۷	۰.۰۰۴۱	۲,۹۴۶۰۲۳	۰,۷۱۳۴۹۴	LOG(SIZE)
	۰.۰۰۰۰	-۱۸,۳۸۰۱۰	-۰,۲۰۵۶۳۵	LOG(GDP)
کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه				
R-squared=۰.۹۶۸۴۹۵	احتمال	آماره F	ضرایب	متغیرها
	۰.۰۰۸۴	-۲,۶۵۰۸۵۴	-۶,۲۳۴۷۴۷	C
Adjusted R-squared =۰.۹۶۵۷۶۷	۰.۰۱۹۹	۲,۳۳۸۵۱۵	۰,۳۷۷۸۸۸	LOG(SIZE)
	۰.۰۰۰۰	۵,۰۲۹۷۰۴	۰,۴۲۲۱۸۵	LOG(GDP)

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۱۱-۴. نتایج برآورد مدل سوم

R-squared=۰.۴۰۷۴۱۹	احتمال	آماره F	ضرایب	متغیرها
	۰.۰۲۹۰	۲,۲۱۴۹۵۰	۰,۱۵۶۹۰۶	C
Adjusted R-squared =۰.۳۹۵۶۸۵	۰.۰۰۰۰	۷,۲۰۲۷۱۴	۰,۱۰۵۴۴۱	LOG(OPENESS)
	۰.۰۳۳۶	۲,۱۶۷۰۰۸	۰,۸۳۴۲۱۸	LOG(GDP)
کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه				
R-squared=۰.۰۴۴۸۱۳	احتمال	آماره F	ضرایب	متغیرها
	۰.۲۶۱۷	۱,۱۲۴۰۹۷	۰,۰۴۹۵۲۵	C
Adjusted R-squared =۰.۰۳۹۸۷۷	۰.۰۳۶۰	۲,۱۰۳۹۷۸	۰,۱۲۶۲۰۰	LOG(OPENESS)
	۰.۰۲۰۹	۲,۳۱۹۶۸۸	۱,۴۳۵۴۰۸	LOG(GDP)

منبع: یافته های تحقیق

نتایج تا حدودی با نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه مطابقت دارد. بر اساس تئوری آلیسینا و وکزیارگ (Alesina & Wacziarg, 1997) که به بررسی ارتباط اندازه دولت، اندازه کشور و باز بودن تجاری برای دوره زمانی ۱۹۸۹-۱۹۶۰ پرداختند، معتقدند که کشورهای بزرگ می توانند دولت های کوچک داشته باشند. از طرفی در این مطالعه، ارتباط میان درجه باز بودن تجاری و اندازه دولت، مثبت ارزیابی شد. بر اساس این تئوری که بحث اصلی این مطالعه می باشد، ارتباط میان درجه باز بودن تجاری و اندازه دولت تحت تأثیر اندازه کشور است که با نتایج این مطالعه و همچنین نحوه ارتباط این دو متغیر مطابقت دارد.

برونتی و وندر (Brunetti & Weder, 1999)، نیز در مطالعه ای که برای کشورهای آفریقا، آمریکای لاتین و OECD، برای دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۹۰ انجام دادند، نشان دادند که ارتباط میان اندازه دولت و باز بودن اثر سیاسی، اقتصادی و همچنین باز بودن اقتصاد مثبت است.

رودریک (Rodrik, 1996)، در زمینه ارتباط بین باز بودن و اندازه دولت معتقد است که کشورهای باز در معرض شوک های خارجی قرار دارند و به بخش عمومی بزرگتری برای فراهم آوردن نقش کاتالیزور نیازمندند

و همچنین میان باز بودن تجاری و اندازه دولت، ارتباط مثبتی برقرار است. این در حالی است که آلیسینا و وکزیارگ (Alesina & Wacziarg, 1998)، این ارتباط را از طریق معرفی اندازه کشور مطرح کردند. سانز (Sanz, 2003)، فرضیه رودریک را رد کرد و نشان داد که ارتباط میان اندازه دولت و باز بودن تجاری در میان ۲۶ کشور OECD منفی است.

پناهی (Panahi, 2010)، اندازه کشور، باز بودن و رشد اقتصادی را برای ۷۲ کشور طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۷۰ مورد بررسی قرار داد. نتیجه مطالعه حاکی از آن است که ارتباط مثبت میان جمعیت، باز بودن تجاری و ارتباط منفی با تولید ناخالص داخلی وجود دارد.

جتتر و پارمتر (Jetter & Parmeter, 2012) به بررسی ارتباط اندازه کشور و اندازه دولت میان ۱۶۱ کشور OECD آسیایی و اروپای شرقی طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۷۵ پرداختند. نتایج برای این گروه کشورها نشان داد که افزایش در جمعیت با لحاظ متغیر نرخ شهر نشینی، مخارج عمومی را افزایش می‌دهد و ارتباط میان اندازه دولت و اندازه کشور، مثبت است.

یافته‌های مطالعه‌ای که لیبراتی (Liberati, 2013)، در زمینه ارتباط اندازه دولت و باز بودن تجاری طی سالهای ۲۰۰۹-۱۹۶۲ بین ۱۵۶ کشور انجام داد، مخالف نتیجه این تحقیق می‌باشد؛ چرا که لیبراتی این ارتباط را منفی به دست آورد، در حالی که نتایج حاصل از این پژوهش برای هر دو گروه کشور عضودی هشت (D8) مثبت برآورد شده و این ارتباط برای کشورهای عضو OECD، معنی دار نبوده است.

۵- نتیجه گیری

۱- با توجه به نتایج حاصل شده از این پژوهش، هدف دستیابی به این امر، کوچک سازی دولت نیست، بلکه هدف بررسی ارتباط متغیرهای هدف، اندازه دولت، درجه باز بودن تجاری و اندازه کشور در راستای دستیابی به حکمرانی خوب است. امروزه استانداردها و شاخص‌های مختلفی از جانب نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تعریف می‌شود. بانک جهانی نیز مجموعه گسترده‌تری از سیاست‌ها و اقدامات را برای تقویت حکمرانی و بهبود آن پیشنهاد می‌کند.

۲- کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نقش مهمی را توانستند در تقویت حکمرانی خوب در بخش دولت داشته باشند. همچنین سازمان کشورهای عضو این امکان را به سیاستگذاران در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کند. کشورهای در حال توسعه می‌باید برای عضویت در این نهاد بین‌المللی تلاش داشته باشند. از میان کشورهای عضو گروه D8، تنها کشور ترکیه به عنوان عضو مشترک در هر دو گروه کشورهای عضو فعالیت دارد. کشورهای دیگر از جمله، ایران، اندونزی، بنگلادش، پاکستان، مصر، مالزی و نیجریه نیز در صورت پیوستن به این سازمان می‌توانند در روند توسعه و حکمرانی خوب گام بردارند. برای داشتن تصویر بهتری از حضور دولت، لازم است که

مداخلات دولت و نهادهای دولتی، نحوه سیاست‌گذاری دولت‌ها در طول زمان را در نظر گرفت و مانند بنگاه‌ها در بازار عمل کرد. همچنین چند عامل اصلی یعنی درجه باز بودن تجاری، نرخ ارز، جمعیت و قیمت‌ها در سطح داخلی و خارجی نباید نادیده گرفته شود؛ چرا که همه این عوامل در نحوه حکمرانی خوب مؤثر خواهند بود.

۳- پروکسی درجه باز بودن تجاری در میان کشورهای دی هشت، ارتباط مثبت و معنی داری در سطح ۵ درصد با اندازه دولت دارد. نتایج حاصل از تخمین با تئوری رودریک و آلیسینا و وکژیارگ مطابقت دارد و بر اساس ضرایب به دست آمده، یک واحد افزایش در اندازه دولت، درجه باز بودن تجاری را به میزان ۱۱ درصد افزایش می‌دهد.

۴- پروکسی اندازه کشور در میان کشورهای دی هشت در سطح معنی داری ۵ درصد نشان دهنده ارتباط مثبت میان اندازه دولت با اندازه کشور در میان کشورهای عضو D8 می‌باشد. که این نتیجه گیری مخالف با تئوری آلیسینا و وکژیارگ بوده است. ولی با مطالعاتی که بعد از آنها برای کشورهای مختلف صورت گرفته، مطابقت دارد. علامت ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه در مدل اول و سوم برای کشورهای عضو D8، مثبت به دست آمده است. افزایش یک واحدی در اندازه دولت، تولید ناخالص داخلی را به ترتیب، به میزان ۰,۰۶ درصد و ۰,۱۰ مطابق مدل اول و سوم افزایش می‌دهد که این ارتباط برای کشورهای عضو OECD برای مدل اول، منفی ۰,۱۹ درصد بوده و برای مدل سوم، معنی دار به دست نیامده و همچنین برای مدل دوم برای کشورهای عضو این سازمان، مثبت ۰,۴۳ به دست آمده است.

۵- ارتباط درجه باز بودن تجاری با اندازه کشور در میان کشورهای عضو D8، مثبت ۰,۶۸ درصد می‌باشد. این ارتباط برای کشورهای عضو OECD، مثبت ۰,۴۸ درصد و در سطح ۵ درصد معنی دار است.

منابع و مآخذ

- بانک جهانی (۱۳۸۷)، نقش دولت در جهان در حال تحول؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، جلد اول، چاپ اول.
- بررسی اصلاحات تجاری در کشورهای در حال توسعه و کاربرد آن در ایران، معاونت امور اقتصادی، چاپ اول، وزارت امور اقتصادی و دارایی، پاییز ۱۳۷۴.
- دادگر، یداله و نظری، روح اله (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت در ایران؛ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۸.
- صادقی، حسن؛ صامتی، مجید و سامتی، مرتضی (۱۳۹۱)، تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اندازه دولت؛ مطالعه کشورهای منتخب آسیایی، فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ۶.
- فلاحتی، علی و سپه‌بان قره بابا، اصغر (۱۳۸۸)، اثرات آزاد سازی تجاری و مالی بر اندازه دولت (مطالعه موردی: ایران)؛ مطالعات اقتصاد بین الملل، سال ۲۰، شماره پیاپی ۳۵.
- کریمی پتانلار، سعید؛ قادری، سامان و سنگین آبادی، بهرام (۱۳۸۹)، اثر جهانی شدن تجاری و مالی بر اندازه دولت در ایران؛ فصلنامه اقتصاد تجارت نوین، ش. ۲۲ و ۲۱، تابستان و پاییز.
- نیلی، مسعود؛ درگاهی، حسن؛ کردبچه، محمد و نیلی، فرهاد (۱۳۹۱)، دولت و رشد اقتصادی در ایران؛ ویراست سوم، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- Alesina, Alberto & Wacziarg, Romain (1997) openness, country size and government; *Journal of Public Economics*, No. 69: 305-321.
- Alesina, Alberto; Spolare, Enrico & Waziarg, Romain (2005) Trade, Growth and the Size Of Countries; *Handbook of Economic Growth, Volume 1B*. Edited by Philippe Aghion and Steven N. Durlauf, Elsevier B.V.: 1499-1542.
- Amin, Mohammad & Haidar, Jamal Ibrahim (2012) Trade Facilitation and Country Size; *Documents de Travail du Centre d'Economie de la Sorbonne-45*.
- Aydogus, Ismail & Topcu, Mert (2013) An Investigation of Co-Integration and Causality between Trade Openness and Government Size in Turkey; *International Journal of Economics and Financial Issues*, Vol. 3, No. 2: 319-323.
- Benarroch, Michael & Pandey, Manish (2011) The relationship between trade openness and government size: Does disaggregating government expenditure matter?; *Journal of Macroeconomic*, No. 34: 239-252.
- Benarroch, Michael & Pandey, Manish (2011) The Relationship Between Trade Openness And Government Expenditure Matter?; *Journal Of Macro Economics*, Vol. 31: 239-252.

- Bruntti, Aymo; Weder, Beatrice (1999),” More open economies have bigger governments”, Economic Series, No. 9905.
- Epifani, Paolo & Gancia, Gino (2008) Openness, Government Size and the Terms of Trade; Review of Economic Studies Limited (2009) 76: 629-668.
- Facchini, Francois & Melki, Mikael (2013) Efficient Government Size :France in the 20th century; European Journal Of Political Economy, No. 31: 1-14.
- Jetter, Michael & Parmeter, Christophe (2012) Country Size and Government Size: A Rassessment; Department of Economics.
- Liberati , Paolo(2013) Government Size and Trade Openness:Some Additional Insights; University Roma Tre, Department of Economics, MPRA Paper No. 43561.
- Liberati, Paolo (2006) Trade Openness, Financial Openness and Government Size; ISE.
- Shahbaz.M; Ur Rehman, Hafeez & Amir, N. (2010) The Impact Of Trade and Financial Openness on Government Size: A Case Study Of Pakistan; Journal of Quality and Technology Management, Vol. VI, Issue 1: 105-118.
- Ram, Rati (2008) openness, country size, and government :Additional evidence from a large cross-country panel; Journal of Public Economics, No. 93: 213-218 .
- Rodrik, Dani (1996) Why Do More Open Economics Have Bigger Government; National Burea Of Economic Research, Working Paper, No. 5537.
- Sanz ,Ismael ؛ J. Velázquez,Francisco (2003),” Does Globalization increase government size? An analysis of the effects of foreign direct investment on total government expenditures and its components”, European Economy Group.